

رئیس - آقای فهیم الملك (اجازه)

فهییم الملك بنده همانطور که در شرف اول عرض کردم در این قسمت هم با عبارت کمیسیون مخالفم عبارت کمیسیون می نویسد (هر گاه در مدارس دولتی در غیر موقع اداری تدریس نمایند) بنده عرض کردم ممکن است اشخاصی که در ادارات هستند دارای معلوماتی باشند و چون وقت ادارات روز است و غالباً مصروف با اوقات مدارس است همان طور که پیشنهاد کردم خوب است با اختیار اداره واگذار کنند که اگر شخصی در يك اداره کار میکنند و در مدرسه هم میشود از او استفاده کرد از اداره خواهش کنند و اوقاتی را برای تدریس او معین کنند که منافات با اوقات کار او داشته باشد و با اجازه بدهند هفته يك ساعت دو ساعت چهار ساعت در مدارس تدریس کنند و البته اجزای دیگری هستند که آن يك ساعت شغل او را کفالت کنند و نباید اشخاص را مجبور کرد که از این استفاده محروم بمانند زیرا معلم برای مدارس کم است و هم چنین اجزاء تحصیل کرده برای ادارات کم است اگر يك عده معدودی پیدا شود نباید آنها را مجبور کرد که یا در اداره باشند یا در مدرسه بنا بر این بنده مجدداً پیشنهاد خود را تکرار می کنم و تقاضای مبنایم در آن را بگیرییم رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

(فائز بودند)

رئیس - آقای گروسی موافقت گروسی - خیر مخالفم . رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - مقصود آقای فهیم الملك اگر چه نادر است ولی هبات را بورت کمیسیون هم کافی است برای اینکه نوشته اند در غیر وقت کار اداری وقت برای اش معین نکرده اند که هشت ساعت یا شش ساعت اگر شخصی پیدا شد که وجودش برای مدرسه و اداره هر دو لازم بود ممکن است در اداره هفته سه روز یا چهار روز مستخدم بشود و اگر حقوقش در ماه صد و پنجاه تومان است صد تومان بگیرد و بقیه اوقاتش را برود در مدرسه تدریس نماید و اگر وجودش برای اداره خیلی لزوم دارد بهیچوجه نمی تواند وقت خود را صرف تدریس در مدارس نماید و همین طور برعکس اگر وجودش برای مدارس خیلی لازم است دیگر بکار اداری نمی رسد به علاوه چون جمع کثیری هستند که خودشان را برای تعلیم حاضر کرده و برای تدریس در مدارس تحصیلات لازمه کرده اند و این راه میخوانند معاش خود را

اداره کند اگر ما باین پیشنهاد آقای فهیم الملك رای بدهیم راه معاش بروی آنها بسته می شود آقایانی که صندلی های اداره را اشغال کرده اند می خواهند هر دوره بروند در مدارس هم تدریس کنند و اگر رئیس اداره با وزیر اجازه ندهد اسم معارف رویش می گذارند چون اسم معارف عبارتست از هر وزیر را از میدان درمی کنند آن وقت تمام مردم و روز نامه نویسها می گویند بر علیه معارف رفتار شده آن وقت آن بیچاره هائی که فنشان معلمی است چون وسائلی نداشته اند تحصیلاتشان بیفایده شود و مجبور می شوند بروند در تجارتخانه ها با جاهای دیگر گذران کنند بمقیده بنده این مانده خیلی کافی است و آن مواقع نادره راهم که آقای فهیم الملك می فرمایند تأمین می کنند رئیس - آقای گروسی

(اجازه)

گروسی - ایام کار برای ادارات دولتی و مدارس غالباً مصادف است و هیچ دیده نشده که در مدرسه وسط روز در گرامی هوا مشغول تدریس باشند که در آن موقع کسی مجبور باشد و بروند تدریس کنند و اگر در ایام روز کسی مشغول کار اداری باشد دیگر کار مدرسه را نمیتواند انجام بدهد و کم اتفاق می افتد که اوقات مدرسه با اوقات کار ادارات مصادف نباشد این هم کاری نیست که مجلس برای آن قانون وضع کند

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادی که آقای فهیم الملك در شور اول کرد بودند قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم اخذ حقوق تدریس و تعلیم در مدارس توأماً با اخذ مقرری اداری منافات نخواهد داشت مشروط بر اینکه اوقات تدریس قبلاً با موافقت و اجازه اداره متوجه معلم طوری معین شود که مانع انجام وظایف اداری نشود

رئیس - پیشنهاد ایشان طبع و توزیع هم شده است نسبت باین پیشنهاد مخالفی نیست ؟

محمد هاشم میرزا - همه مخالفند رای بگیرد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - این ماده چهارم بهترین ماده است از برای کمک کردن بمدارس و معلمین برعکس پیشنهادیکه آقای فهیم - الملك فرموده اند چون يك قسمت از وسایل ادارات و وزارت خانه ها هستند که هم ریاست اداره را اشغال کرده اند و هم معلمی مدارس را می نمایند از یک طرف ریاست اداره را اشغال کرده اند از يك

طرف حق بکنفر معلم را غضب کرده اند و اینکه می فرمایند بسته است بنظر رئیس اداره اگر خود رئیس اداره در این موقع بمدرسه رفت چه باید کرد بنده چند نفر از روسای ادارات را سراغ دارم که میروند در مدارس دولتی تدریس می کنند در صورتی که يك عده معلم بی کار هستند در اینجا است که حقیقتاً جمع بین دو شغل شده است و بنده موافق با اصل این ماده هستم زیرا این نه ضرورت اقتضا می کند نه هیچ چیز دیگر اما اینکه می فرمایند اوقات کار ادارات و مدارس مساوی است و بنده عرض می کنم غیر اینطور نیست مطابق اطلاعاتی که بنده دارم این است که فلان رئیس اداره بامدیر مدرسه قرار می گذارد مثلاً فرض بفرمائید قرار است که سه سه ساعت بظهر مانده مدرسه افتتاح به شود این مدیر قرار می گذارد که چهار ساعت و نیم قبل از ظهر عده از معلمین حاضر بشوند و کلاس فوق العاده تشکیل یابد و آن رئیس اداره تدریس کند و همین بعد از ظهر ها دوشنبه که ادارات تعطیل است مدارس تعطیل نیست به علاوه بعضی دروس هست که هفته یکی دو روز بیشتر تدریس نمی شود ممکن است در روز دوشنبه دو ساعت بروی مدرسه بدهد و مصادف و مصادف هم دارد و یا ممکن است بعد از ظهر ها یا عصرها زودتر يك کلاس فوق العاده قرار دهد اینجا يك چیز هائی است که در عمل هویدا است پس بهترین مانده که حقیقتاً کمک بمعلمین می کند و جلوگیری از جمع بین دو شغل مفضوباً می نماید و بمقیده بنده این مانده است

رئیس - آقای فهیم الملك (اجازه)

فهییم الملك - بنده فهمیدم مقصود آقای تدین از اینکه فرمودند مدیران دوائر میروند در مدارس می گویند چه بود ؟ مگر بد است ؟

بسیار خوب می کنند برای اینکه ما معلم نداریم مدارس ما هیچ معلم ندارد از ظهران باید بگذریم در ولایات معلم نیست مخصوصاً باید خواهش بکنم اشخاصی که يك اندازه معلومات دارند بروند درس بدهند بلی اگر مدارس متوسطه یا دیلمه چندین ساله خودش را بیرون داده بود بنده هم موافق بودم ولی چون ما چیزی نداریم و فاقد وسایل تحصیلات هستیم باید بهر قسمت هست اسباب تحصیلات را فراهم کنیم و اگر بدانیم يك شخصی هست که بتوانیم از او استفاده کنیم باید بهر شکلی هست او را بیآوریم درس بدهد و اگر بگوئیم روساء و اعضاء اداراتی که میروند در مدارس تدریس می کند باید بر مدرسه قرار بگذارند که در یکساعات مخصوص بروند که وقت اداری آنها از بین نرود این اسباب زحمت است برای اینکه يك عده شاگردان هستند که شبها برای درس نمی توانند حاضر

باشوند یا این که بعد از ظهر بلافاصله چطور شاگرد بدبخت حاضر بشود برای این که معلم وقت دیگری ندارد حالا چه ضرر دارد که اداره يك موقعی معین کند که یکساعت دو ساعت بروند در مدرسه تدریس کنند و اگر معلم خوب و قابلی نیست نه فقط نباید در مدرسه درس بدهد بلکه در اداره هم نباید باشد و بنده کاملاً پیشنهاد خود را تأیید می کنیم ولو اینکه آقایان مخالف باشند

رئیس - رای می گیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فهیم الملك آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد رای می گیریم بماده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد بقیه می ماند برای جلسه دیگر جلسه آتی پس فردا روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور اول بودجه مجلس ثانیاً بقیه مذاکرات راجع باین قانون

(مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد) رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۹۹

صورت مشروح مجلس یوم شنبه ششم شوال المکرم ۱۳۴۰ مطابق سیزدهم جوزا ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه یازدهم جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند رئیس - ایرادی نسبت بصورت مجلس هست یا نه ؟

گفته شد - خیر

رئیس - چون اعتراضی نیست صورت مجلس تصویب شد :

دستور امروز چنانچه قرائت شد یکی لایحه راجع به استریات است و دیگری بودجه مجلس ولی جمعی تقاضا کرده اند که بودجه مجلس امروز جزء دستور نباشد .

بافعل لایحه راجع به استریات باید مطرح شود ولی چون رایورتی از شبه پنجم راجع بنمایندگی آقای سالار معظم از تون وطنس رسیده است آنرا مقدم می داریم قرائت میشود

آقای میرزا محمد نجات را بورت شعبه پنجم پنجم را بشرح ذیل قرائت نمودند شعبه در تاریخ ششم شهر رمضان ۱۳۴۰ بدوسی و جریان انتخاب نماینده تون وطنس و کن آباد و بشرویه و توابع رسیده گی نموده . خلاصه چگونگی آن را بقراری است که ذیلا بعرض مجلس مقدس میرسد از دوازدهم شهر جمادی الاولی ۱۳۴۰ در تون وطنس و کن آباد و بشرویه و توابع انجمن نظارت تشکیل و به ترتیبی که در صورت

مجلس آن مصرح است به نشر اعلان و دادن تعرفه و اخذ اوراق رأی و قرائت آنرا مشغول در بیست و هشت جمادی الثانیه ۱۳۴۰ انتخابات مزبور خانه یافته از هشت هزار و پانصد و هفت و هفت رای در باره آقای سالار معظم بوده .

جریان انتخاب مزبور موافق مواد قانون انتخابات بعمل آمده چیزی که مخالفت با قانون داشته باشد در صورت مجلس آن دیده نشده مگر اینکه مدت اعلان انتخابات مزبور را انجمن مرکزی تون کمتر از ده روز قرار داده و چون این قبیل مخالفت قانونی را در بعضی شعیب و مجلس مقدس مورد توجه و اعتناء قرار نداده شکایت و اعتراضی نیز بهیچوجه در دو سینه مزبور ملاحظه نشده به پنجم با کیریت آراه بنمایندگی آقای سالار معظم را از تون وطیس و کن آباد و بشرویه و توابع تصدیق و تصویب نموده (محمد نجات)

رئیس نسبت باین رایورت مخالفی نیست .

تدین - بنده مخالفم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این موضوع بنده عرضی ندارم لکن خواستم از مقام ریاست سؤالی بکنم که بشعبات امر بفرمائید که اعتبار نامه هائی که مانده تکلیف آنها را

رئیس - این مسئله راجع باین موضوع نیست .

آقا سید یعقوب - چون خیلی از اعتبار نامه ها مانده است می خواستم تقاضا کنم .

رئیس در آخر جلسه بفرمائید - این رایورت می ماند برای جلسه دیگر در ماده سوم لایحه مستندات دو پیشنهاد شده بود یکی از طرف آقای تدین که در عوض چند شغل نوشته شود (دوشغل) و قابل توجه شود دیگری از طرف آقای فهیم الملک که ماده را تجزیه کرده بودند نصف عبارت قسمت اول را يك ماده کرده اند و باقی را در ماده دیگر نوشته اند

نصرت الدوله مخیر - در این پیشنهادات و این ماده که به کمیسیون مراجعه شده هنوز کمیسیون اتخاذ نظر قطعی نکرده است آیا با اینصورت تجویزی می فرمائید مذاکره شود .

رئیس - مانعی ندارد چون کمیسیون روز پنجشنبه می تواند تجدید نظری نموده و رای قطعی اتخاذ نماید و چون اینکار را نکرده است خود مجلس میتواند مذاکره بکند مگر اینکه مجلس اینطور صلاح بداند که به کمیسیون مراجعه شود بعضی اظهار نمودند - روز پنجشنبه چون جلسه خصوصی بود وقت نبود

رئیس پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت می شود .

آقای نظام الدوله بشرح آتی قرائت نمودند

ماده سه - جمع دو یا چند شغل موظفاناً ممنوع است

ماده ۴ - هرگاه بلی الصوره یکی از مستخدمین ادارات شغل ثابت خود را موقتاً متکفل شود علاوه بر کلیه مقرری خود حق استفاده قسمتی از مقرری شغلی را که در تحت کفالت او است نیز خواهد داشت ولی میزان این اضافه هیچوقت از نصف مقرری شغل ثانوی تجاوز نخواهد کرد

رئیس - بالفعل این يك قسمت از ماده سوم را که يك ماده جدا گانه کرده اند یعنی جمع دوشغل موظفاناً ممنوع است مذاکره میشود

آقای آقا میرسید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرسید حسن - این ماده را که بدو جزء تجزیه کرده اند جزء اولش در قانون اساسی تصریح شده نوشته شده است که هیچ يك از اعضاء ادارات حق ندارند دوشغل را موقتاً قبول کنند

رئیس - در کدام اصل این مسئله تصریح شده است

آقا میرسید حسن - حالا عرض میکنم رئیس - اگر مقصود اصل شصت و هشتم است راجع بوزراء است نه اعضاء ادارات .

آقای میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - عرض بنده

راجع بهمین موضوع بود که در اصل شصت و هشتم و هشتم و پنجم قانون اساسی مصرح است که وزیران و رؤساء که موظفاناً نمیتوانند دوشغل را قبول کنند در اینصورت این ماده سوم مخالف می شود با قانون اساسی و خوب است عبارت طوری نوشته شود که رفع مخالفت آن با قانون اساسی بشود باز تکرار میکنم که آن دو اصل یکی اصل شصت و هشتم است و دیگری هشتاد و پنجم که جمع دوشغل را موقتاً منع میکنند و این ماده مخالف با قانون اساسی است و باید اصلاح بشود

رئیس - آقای دست قیب مخالفند آقا سید محمد باقر دست قیب

بلی
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

چطور حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم

مخالفم
رئیس - آقای سلطان العلماء

مخالفید
سلطان العلماء - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض بنده گفته شد

رئیس - آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی بطور

آقا میرزا هاشم - بنده هم مخالفم
رئیس - آقا میرزا هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - ایرادی که آقای

کاشانی و آقای آقا میرزا شهاب الدین فرمودند یکی راجع بوزراء است و یکی راجع بر رؤساء معاکم عدلیه است و هیچ مخالفی هم

ندارد در بابی موارد قانون اساسی ساکت است چون در اصل شصت و هشتم نوشته است

وزراء نمی توانند پس باقی می توانند و نسبت بسایر مأمورین چون قانون اساسی ساکت است می توان یک قانون متعارفی نوشت و هیچ مخالفتی هم نه منظور آنرا مفهومه باین

ماده ندارد ولی لفظ (موظفاناً) که در قانون اساسی نوشته شده است کاملاً تفسیر نشده

است که موظف یعنی چه آیا مقصودش مکلف بودن همدار بودن کار است یا حقوق است ؟

و اینکه بنظر بنده میرسد در همان زمانی که قانون اساسی را نوشتند قانون وظایف را هم نوشتند و در قانون وظایف نوشته شده است که حقوق اداری جزء وظیفه نیست و

وظیفه اطلاق بر حقوق دائمی از قبیل مواجب و مستمری می شود و حقوق اداری را شامل نیست و هیچ معلوم نیست کسی که حقوق اداری داشته باشد هم از دانش نصف آن حقوق با اولاد

یا ورثه او داده شود پس بنا بر این موظفاناً را نمی توان حقوق اداری فرض نمود و این

مسئله به عقیده بنده قابل تفسیر است و اگر لفظ موظفاناً را در اینجا ذکر کنیم ممکن است اشکالی پیدا شود

رئیس - آقای سید محمد باقر دست قیب

آقا سید محمد باقر - گمان می

کنم چیزی که متفق علیه است این است که جمع دوشغل ممنوع است

حاج شیخ اسدالله - خیر متفق علیه نیست

آقا سید محمد باقر - مگر آقای

حاج شیخ اسدالله نهایت صحبت در موظف و غیر موظف بودن است بعضی ها عقیده دارند که جمع دوشغل غیر موظف ممنوع است و بعضی می گویند برعکس بهتر است و صرفه

هوات هم در این است و بواسطه صرفه دولت است که این نظر را دارند اگر نظر بصره دولت است که غیر موظف باشد بهتر است

مثلاً یک جایی که رئیس بستخانه هست و چندان کاری ندارد هیبی ندارد ریاست تلگراف

خانه را هم با او بدهند مثل آباءه که ریاست تلگراف نیست اگر یکی باشد بهتر است چون تلگراف خانه روزی یک ساعت بیشتر

کار ندارد بستخانه هم روزی دو ساعت بیشتر

کار ندارد اگر این دو کار را با هم

بدهند مثل آباءه که ریاست تلگراف نیست اگر یکی باشد بهتر است چون تلگراف خانه روزی یک ساعت بیشتر

کار ندارد بستخانه هم روزی دو ساعت بیشتر

کار ندارد اگر این دو کار را با هم بدهند مثل آباءه که ریاست تلگراف نیست اگر یکی باشد بهتر است چون تلگراف خانه روزی یک ساعت بیشتر

کار ندارد اگر این دو کار را بدون وظیفه

یک نفر بدهند اهمیت ندارد صرفه دولت است ولی اگر چنانچه نظر بصره دولت نیست

و غرض بعضی مخطورات است مثل اینکه حاکم را منصرف می کند و تا وقتی که حاکم

و نظر ستاده اند باید بر رئیس تلگراف خانه بگویند شما آنجا را اداره کنید تا حاکم

ثانوی بیاید این مخطور نمی شود برای این که ممکن است حاکم را منزول نکنند تا

وقتی که حاکم ثانوی برود آنوقت حاکم سابق بیاید اگر بگوئیم اتفاقاً لازم افتاد

که همان ساعت آنجا حاکم را منزول کنند ممکن است بر رئیس تلگراف خانه بگویند شما

افتخاراً این شغل را اداره کنید و بولهم نگیرد پس بنا بر این عرض می کنم که دوشغل ممنوع

است مگر بموجب همان پیشنهادی که بنده و آقای کازرانی کرده ایم یعنی در صورتیکه

موجب نخواهد ممنوع نخواهد بود
رئیس - آقای ارباب کیخسرو و حاج شیخ اسدالله مخالفند

حاج شیخ اسدالله - بنده با فرمایش آقای دست قیب مخالفم

ارباب کیخسرو - بنده نمی دانم لایحه مطرح است یا پیشنهاد آقای فهیم الملک ؟

رئیس - پیشنهاد

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم این اعتراضاتی که آقایان می فرمایند

پیشنهاد آقای فهیم الملک وارد نباشد برای اینکه قسمت اول پیشنهاد آقای فهیم الملک

می گوید جمع دوشغل ممنوع است اگر آقایان نظری در اینقسمت دارند باید بفرمایند

بنده نظریات آقایان را راجع باین قسمت هیچ مخالف نمی بینم و اگر آقایان

در ماده بعدی که ایشان پیشنهاد کرده اند مخالفند بفرمایند بفرمائید در این ماده که

بعقیده بنده همه موافقت

هخبر - در اینجا بنده می خواستم توضیحی عرض کنم در این ماده بترتیبی که

آقای رئیس فرمودند دو مطلب است یکی اصلاح آقای تدین است که بجای (چند

شغل) نوشته شود (دوشغل) و دیگری ترتیب تجزیه است که آقای فهیم الملک قائل شده اند

بنده تصور می کنم که برای تبدیل لفظ چند بلفظ دو مطابق پیشنهاد آقای تدین مخالفی نباشد ولی نسبت بتجزیه چون نظر آقایان

باین است که يك ترتیبی نسبت به حقوق گرفتن یا کمتر گرفتن یا هیچ نگرفتن داده شود بنده عقیده دارم که تمام در يك ماده نوشته شود

اگر استثنائی قائل می شویم باز در يك ماده نوشته شود یعنی در همان ماده که نوشته

می شود جمع دوشغل ممنوع است مواد استثنائی را هم در همانجا بنویسند این بهتر است تا يك

مواد مختلفی بنویسیم و باین جهت بوده که روز پنجشنبه نظر آقایان این بود که يك

جبارتی بدست بیاورند که جمع بین این

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا بدل دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا باید دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا باید دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا باید دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا باید دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

البته باید در ازاء آن حقوق بدهیم زیرا باید دقت میکند بنده عرض می کنم اوفاتی که ممکن است این مستخدم در کارها میبندد دارد آن اوقات متعلق بدولت است و هر شغلی را که دولت باو ارجاع کرد باید انجام دهد کدام شغل را می گویند همان شغلی که برای تحصیل آن هزار گونه تشبیهات مشروع و غیر مشروع بکار می برد البته در آن اوقات اگر دولت باو تکلیف کند موقتاً يك شغل دیگری را متصدی باشد باید اطاعت کند و انجام دهد بنده مانع نیستم که گاهی بر سبیل ضرورت دولت یک نفر دو شغل رجوع نماید لیکن شروط بر اینکه فقط وقت و فقط اوقات که بهمان حقوقی که برای همان شغل دائمی دولت باو میدهد برای چه؟ برای اینکه همانطوریکه شاهزاده فرمودند این قانون باید هم جامع باشد و هم مانع و برای اینکه در مواقع ضروریه دست دولت را نه بسته باشیم و بتواند دو کار را بيك نفر متصدی و اگذار کند و از طرف دیگر از اختلاس و بردن پول دولت و احتکار کار جلو گیری کرده باشیم این قانون را وضع می کنیم همین که گفتم افتخاراً مستخدم باشد آن وقت دیگر مشاغل را احتکار نمیکنند بنا بر این بنده عرض می کنم که این مستخدم مدعی الضرورت تکفل دولتی باشد لیکن يك حقوق بگیرد این است عقیده بنده

نخواهند داد.
محمد هاشم میرزا - اگر يك لفظ (جانزاست) نوشته شود درست خواهد شد.
رئیس - کمیسیون قبول دارد لفظ جانز است نوشته شود.
مخبر - بله.
رئیس - آقای گروسی - راجع باین مطلب است یا در خصوص رأی گرفتن فرمایشی دارید.
آقای شیخ محمد حسن گروسی - راجع به این مطلب است خوب است قرائت شود تأیید مطلب را عرض کنم (شرح ذیل قرائت شد)
 و اگر يك نفر مستخدم در صورت ضرورت بطور موقت مأمور تصدی شغل دیگری شود جائز است.
رئیس - عبارت را کمیسیون باید اصلاح کند.
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اینکه نوشته اند جائز است لزومی ندارد و همان عبارتی را که کمیسیون نوشته کافی است برای اینکه ممکن است بعضی از آقایان عقیده داشته باشند بعضی از حقوقها را حذف یا کسر کنند در این صورت باین عبارت رأی نخواهند داد پس عبارتی که خود کمیسیون نوشته است خیلی خوب است و کلمه جانز است لازم نیست و عقیده بنده همان عبارت کمیسیون کافی و خوب است منتهی بعد باید آقایان تکلیف آن شرایط را معین کنند و اگر هم هیچ تصویب نکردند حقوق بدهند بکلی شرایط ذیل رد میشود بنا بر این بنظر بنده عبارت صحیح است.
رئیس - چون مقارن ظاهر است اگر آقایان اجازه می فرمایند جلسه را ختم می کنم و بقیه مذاکرات میماند برای جلسه دیگر.
 (از طرف جمعی گفتند صحیح است)
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - شاهزاده نصرت الموله دو ضمن توضیحات اخیر خودشان راجع به حفظ حقوق صاحبان مشاغل دولتی در همین اینکه خواستند حقوق آنها را حفظ بفرمایند جمله فرودند که توهمین به حقوق و شرافت يك قسمت عمده از اهالی این مملکت شد (شاید هم سوء تفاهم شده باشد) این است که بنده اجازه گرفتم مطلب را عرض کنم هاید سوء تفاهمی که برای بنده دست داده رفع شود ایشان در ضمن بیانات خود این جمله را فرمودند که (آیا بسندیده با يك نفر عمله و يك نفر زارع برابر کنیم .
 (بعضی گفتند زارع نکندند)
سلیمان میرزا - جمله که گفتند

و گویا مثل هم زدند که با يك ناوه کیش با يك عمله برابر کنیم بنده این عبارت را توهمین بر عمله میدانم حتی اینکه اگر ما يك حاکم خائن را که هنوز مجازا نشده است با يك نفر عمله برابر بگیریم بنده هتک بشرف آن عمله میدانم و همچو نسبتی را که بظلمات کارگر و زارع بر موهن می شمارم در صورتی که يك نفر مأمور مالیه که مبالغ زیادی مال دولت را دزدیده و هنوز بر ائت ذمه خود را حاصل نکرده صاف و بی پروا راه می رود و ابتدا بی می هم ندارد چطور يك همچو آدمی را با عمله رنجبر زحمتکش که شرافتش از او برتر است زیاده است و بیبوسه مشغول زراعت است برابر می کنیم و بالاخره با این نوع اشخاص که بعقیده بنده خدمتگزاران واقع مملکت و با شرافت ترین و محترم ترین طبقات این مملکت هستند چطور می توانیم در ردیف هم فرض کنیم .
 در صورتی که اساس مشروطیت برای حفظ حقوق همین طبقه از مردم برپا شده بنده نسبت به هم خودم بهیچوجه حق نمی دهم وزراء (آن وزرائی که بموجب قانون اساسی باید معا کما شوند و بدبختانه هنوز مجازا و بری الذمه نشده اند) خودشان را در ردیف و در زمره عمله و کارگر شمرده و در سلك آنها محسوب دارند بنده بنام تمام اهالی رنجبر و زحمتکش و فقراء این مملکت باین جمله پروتست می کنم . البته در ادارات هم مردمان زحمتکش هستند و نمی خواهم با آنها حمله کرده باشیم زیرا تمام اهالی این مملکت دارای حیثیت و شرافت هستند و متفقاً برای خیر و براری صرفه و صلاح این مملکت کار می کنند و هیچ تفاوتی در این میان نیست بلکه يك نفر عمله که از صبح تا شام در حرارت و گرما زحمت کشیده و ناره کشی می نماید و پنج قران اجرت می گیرد از حیث شرافت و حقوق بر يك والی و فرمانفرمایی که فقط در يك جا نشسته و قلیان می کشند و هفتاد هم در نتیجه سوء تدبیرش يك مملکتی را غرق آتش و دریای خون می کند ترجیح دارد و اولی می شمارم .
 بنده يك جمله کارگرا با يك وزیري که در موقع اعمال سیاست يك خطها و خطاهای غیر قابل جبرانی کرده است بهیچ وجه طرف نسبت نمی دادم و مقامش را هم بالاتر وارجمندتر فرض می کنم و این چنین شخص زحمتکش را در پیش وجدان خود با شرافت تر می دانم تا آن آقایانی که با اتومبیل تشریف می آورند و هزاران خطا هزار مرتکب می شوند .
 در صورتی که فلان مأمور یا فلان حاکم اگر در دوره تصدی خود کارهای خود را بطور درستی انجام داده و کاملاً اعمال وظیفه بنماید تازه وظیفه خود را انجام داده اما نمی دانم راجع به مأمورین چه عرض کنم که

يك قسمت از این آقایان چه اقداماتی می کنند و چه خلافاتی مرتکب شده اند هنوز خودشان را بری الذمه نکرده اند آیا کسی می تواند بگوید این بدبختها کدر این هوای گرم تابستان مشغول در بیابان هستند و زحمت می کشند خلاف و خیانتی باین آب و خاک کرده اند ؟
 گمان می کنم خود شاهزاده نصرت الدوله هم این مقصود را نداشته و سوء تفاهمی برای بنده حاصل شده است و چون بنده تمام افراد این مملکت را متساوی - الحقیق و شرافتمند برابر می دانم و فرقی بین کار کردن والی و عمله نمی گذارم از این جهت مبادرت باین عرایض کردم زیرا اولی چند ساعت کار می کند و مبلتی حقوق می گیرد و دومی هم از دسترنج و حاصل زحمت خود منتفع و بهره مند میشود بلکه فرقی که در میان است این است که کار والی راحت است و در ضمن تصدی خود شاید عساکر خلاف و تأمین آتیه هم می کند .
 ولی تا اکنون هیچ دیده نشده که يك دیناری حقوق تقاعدی در حق يك عائله فقیر بیچاره بریشان منظور و برقرار شود و چون فلان زارع و کارگر بدبخت دستش ببقامت عالیه نمیرسد هیچوقت پنج شاهی حقوق در باره اش منظور نمی شود و وقتی هم که فرضاً در باره یکدسته از فلان کار و بیچارهائی که دست پایا و بالاخره جان خودشان را در راه این مملکت فدا کرده اند و پنج تومان مستوری برقرار می شود تومانی دو ریال هم بآنها داده نمی شود در صورتی که حضرت اشرفها تصویر بنامه صادر کرده تومانی تومانی دریافت می دارند بله در این مملکت اشرف تومانی تومانی ولی فقراء و ضغفاء که پنج تومان بیشتر حقوق ندارند و در عسرت و درماندگی هستند تومانی دو ریال میبرند با این حال بنده نمی دانم توهمین بآنها بشود این است که عرض می کنم اگر مقصود حضرت والا این بود خوب است توضیح فرمایند تا فرغ اشتباه از بنده بشود .
نصرت الدوله - باید تصدیق کنم که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا از نقطه نظر عمل ورزیده هستند و موارد جلب افکار و نظریه روزنامه نویسها و تماشاچیها را خوب میدانند و زود هم آن هارا جلب می کنند .
 ولی خوب بود غیر از قضیه توضیح و سوء تفاهم برای او اسم دیگری میکشادند زیرا آنوقت بنده را مجبور نمی کردند که پشت تریبون آمده و این عرایض را عرض کنم که توضیح خواستن و سوء تفاهم دروردی است که من عبارات گوینده تجدید یا تکرار است که يك کسی که خود را مشغول شود نه اینکه يك حشو زوایدی بر او اضافه شود و آنوقت اسم آنرا سوء تفاهم بگذارند حضرت والا خواستید يك موقعی

بدست بیاورید و نظر تانهم بعرف زدن با بنده و آقایان نبود نظر تان بجای دیگر بود بنده هم مخالفت ندارم و حاضرم گوش بدم اما اصل مسئله را اگر بخواید اعتراض بکنید بنده اسم عمله و نازه کش را آوردم ولی مقصودم از این کلمه اعتراض به آقایانی بود که اینجا نشستند و مخالف با دو حقوق درباره بکنفر بودند و مقصودم اعتراض بطور تفکیک کردن قضایا بود که شما و آقایان عقیده داشتید چنانچه حالاهم همان اعتراض را کرده و باز هم خواهم کرد ابتدا صحبت از شرافت و شرافتمندی اشخاص در بین نبود حقیقتاً هرافت داشتن پایبند شرافت داشتن يك مأمور و مستخدم دولت نسبت بناوه کش و عمله در کار نبود زیرا شرافت نه به حکومت است نه بناوه کش است نه بوکالت است نه به امارت است نه بریاست شرافت بهیچیک از آنها نیست شرافت باخلاق درست و وجدان يك است هر کس در هر مقام که باشد اگر این مراتب امر امانت و ملاحظه کند شرافتمند است حالاً بنده چه فرض کنم صحبت از فروختن وقت بود مروختن وقت يك معنائی دارد البته وقت هر کس متمایز است يك مثلی بجهت حضرت والا می زنم يك طبیعی که رفته است و مدت سی سال زحمت کشیده و تحصیل کرده و يك طبیب حاذقی شده است وقتی که شما تب می کنید و به آن طبیب مراجعه می فرمایید بدون اینکه زحمت بکشید و عرق بریزد و به کد بین مملکت را نگاهداری کند (چنانچه زارعین نگاهداری می کنند) بعضی اینکه نبض شما را گرفت در نتیجه زحمت سی ساله طبیب شما پنج تومان باو میدهد برای پنج دقیقه یاده دقیقه مصروف داشتن وقتش اما يك کسی را می آورند و به او می گویند بیا این دیوار را خراب کن و يك سبج تاغروب باید آن عمله بدبخت در آفتاب جان بکند و حضرت والا با تمام نوع پرستی که دارید اگر پنج تومان به او دادید . ابد آن داده و نخواهند داد خودتان مکرر در اینجا فرموده اید رجحان علمی و ترجیح اطلاعی را باید در نظر گرفت حالاهم بنده عرض می کنم که مقصود بنده مشاخره نیست که بعد حضرت والا فرمایند کدام مأمور و کدام حاکم را با این مرجحات بمأموریت فرستاده اند اگر نمی فرستند بد می کنند البته باید مرجحات در نظر گرفته شود اما قانون گذار وقتی که در مجلس می نشیند و يك قانونی برای مملکت وضع می کنند همیشه باید نظرش به خوب و بدی باشد نه اینکه نظرش به يك مأمور بد باشد اگر يك مأموری بد است باید آن بدی را زیر پا کشد و گویند ولی حق چیست؟ حق این است که يك کسی که خود را مشغول سلامت و سعادت یا نقد هزار ششصد هزار نفر جمعیت می کند باید برای فکر او اطلاعات

است تغییر و تبدیل کند
محمد هاشم میرزا - غیر از اصل دوم
آقای زاعلی کازرانی - قانون باید جامع باشد و مانع و لیکن این قانون جامع و مانع نیست بنده همچو تصور میکنم که این قانون مبتدیان اجازه میدهد که بعد از این هم زمام کار دست آنها باشد و برای اشغالی که در زمان تصدیشان امتحانها داده اند يك بابی خواهد شد که برای خود و بستگان خودشان مشاغل را احتکار کنند میگویند يك شغل دیگر اگر يك نفر مستخدم ارجاع کردیم

او سوابق او یک مقامات و مراتبی را قائل شد و البته این شخص بایک نفر اجزاء تلگرافخانه بایک نفر اجزاء کمرک که آنرا مأمور می کنند برود در فلان نقطه و از روی تعرفه کمرکی کمرک بکبر دخیلی فرق می کند پس وقتی که این مقدمات را در نظر بگیریم معلوم میشود اینکه می گویند فلان مأمور دولت وقتش را فروخته صحیح نیست و وقتی که يك کاری را به بنده رجوع می کنند قبلاً نگاه می کنم به بنیم برای من چه قدر زحمت دارد حضرت والا چرا وزیر نمیشوند ؟ چرا وقتی که شما تکلیف میکنند مقام وزارت را قبول کنید قبول نمی کنید؟ و وکالت را برای خودتان ترجیح می دهید البته پیش خودتان اجتهاد کرده اید و در لوای وکالت يك زحمت های کمتر و يك میدانهای وسیع تری را دارا هستید که بهتر می توانید افکار خودتان را پیش ببرید البته در دنیا هر کس يك کاری را قبول می کند نگاه میکند بمقدار مسئولیت آن کار مثلاً يك کسی وقتی به صد تومان حقوق راضی میشود که در کاری وزارت معارف یا در کاری تلگراف خانه داخل شود و خودش را به آب و آتش نمی زند و دوندگی نمی کند که ابتداء حکومت محلات و کاشان را بکبر و تارفته رفته به ایالت فارس برسد برای این است که کمتر زحمت بکشد و کمتر مسئولیت داشته باشد پس شما وقتی که يك نفر گتید مسئولیت يك کار بزرگی را قبول کن دیگر نمی توانید به او بگوئید تو وقت خودت را فروخته و باید کار دیگری هم بکنی خیر آن شخص وقت خودش را فروخته است برای همان کار این حقوق که به او داده میشود برای همان تلگرافچی است نه کار دیگر ؛

دیگر نمی توان بآن شخص که برای تلگراف کردن به او حقوق داده می شود بگویند تو چون وقت خودت را فروخته برو چنگ کن که يك گلوله هم تنک بفت بخورد البته اگر او می خواست چنگ بکند داخل نظام می شد صاحب منصب و فرمانده میشد پس اینجاموضوع شرافت نبود شرافت مربوط بریاست و امارت و وکالت و عمله کی نیست.

مربوط باخلاق است بنده تصور نمی کنم سوء تفاهم شده باشد بلکه بقول بعضی از آقایان سوء تفاهم شده است حضرت والا اگر مطلب بنده را شنیده بودند یا می خواستند بشنوند برای ایشان سوء تفاهم نمیشد که بنده بیایم اینجا و توضیح بدهم البته بنده کسی که حقیقتاً با کدیمین و عروق جبین برای خود و مملکت خود کار می کندهمیش از حضرت والا قدرش را می دانم و یقین بدانید آن اشخاص هم بنده را پیش از حضرت والا برای خود سوز

می دانند زیرا حضرت والا در اینجا برای آنها حرف خوب میزنند و بنده با زور خودم با پول خودم با فکر خودم سعی می کنم که آنها را در کنار جقه تراز شر کردها حفظ کنم من خودم برادرم یادگیری یادگیری میرویم خود را بکشتن می دهیم که آن ده و آبادی را که از آن بهره می بریم از شر ارهاو کردها حفظ کنیم در مملکتی که در این سنوات اخیر قشون مرتب نبود کی این مملکت را از شر کردولر و دزد مصادفقت می کرد. در اینجا سوء تفاهم نشود در میان ارها هم اشخاص صحیح و خوب هستند

سردار معظم کردستانی

در میان کردها هم همینطور **نصرت الدوله** - البته بهر جهت بنده آن اشخاص زارع و رنجبر را خیلی با شرافت می دانم و هیچوقت هم راضی نمی شوم نه بشرافت آنها نه به حیثیت آنها لطمه وارد بیاید و انشاءالله حضرت والا هم از عرایض بنده قانع شده اند **رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله**

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله

است **محمد هاشم میرزا** - آقا بعد از ظهر است

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - چنانچه بنده تمام فرمایشات حضرت والا را گوش کردم عقاید خودم را هم اظهار کنم و لولاینکه آقایان هم تشریف ببرند منتهی از مقام ریاست اجازه می گیرم در جلسه دیگر در اول جلسه عرض می کنم اولاً در اینجا متذکر میشوم هم به حضرت والا و هم بسایر رفقای ایشان که این اسلحه خیلی کهنه شده کتاهر کس بخواهد حرف بزند بگوئید برای مردم و تماشای حرف میزند این مسئله را در جواب مخالفین خودشان خوب است دور بیندازند این اسلحه هیچ منطقی نیست بنده صاف و پوست کنده عرض می کنم برای حفظ حقوق جماعتی از مردم که فقراء هستند کوشش می کنم حالا شما هر چه می خواهید تصور بکنید و هر اسم می خواهید روی آن بگذارید می خواهید بفراشه بگوئید ما گوزی است یا اینکه بگوئید برای تماشای و ارباب جرائد حرف میزند پایه اصلاح جدید هو بکنید بنده که از هو در نیروم

نصرت الدوله - بنده هم همینطور

سلیمان میرزا - بنده صاف حرف

های خودم را میزنم و بقول آقای زنجانی که يك روز فرمودند قلب کسی را نشکافته اند که به بینند در قلب هر کس چیست ؟

مثل حضرت والا هم تمول ندارم که در مقابل هجوم دزدها و غارتگر ها با تمول خودم از رعایا مصادفقت کنم چنانچه آقای مدرس ضرب المثلی را در مجلس معمول کرده اند بنده هم ضرب المثلی می زنم که خیلی عوامانه است . مشهور است

(گریه هوش را برای رضای خدا نمی گیرد) برای نفع خودش می گیرد یا برای نفع صاحب خانه

نصرت الدوله - اشتراك منافع

است **سلیمان میرزا** - شبان باقصاب که

گوسفند را می پروراند و از شر گرگ او را حفظ می کند برای حفظ جان بره است یا برای اینکه در پایاب امر در سرفره می خواهد از کبابران آن بره میل نماید؟ بنده صاف عرض می کنم متمولین که دهانشان را حفظ می کنند برای خوش آمد رعایا نیست برای راحتی خودشان است پس خوب است منتهی بر رعایا وزارتین نگذارند زیرا خود حضرت اقدس والا از زحمات و خون و عرق زارین و رعایای بی چاره است که این تمولات فوق العاده را تهیه نموده اند همین خون و عرق رعایا است که بشکل پول و یارک در آمده است حضرت اقدس والا و سایر متمولین بواسطه تیش و تفریح و زیاد کردن آن پولها و هیاشی است که بدبخت زارین را مثل يك عامل کاری برای جلب منافع خودشان حفظ می کنند چنانچه اسباب زراعتی خودشان را حفظ می کنند ماشین های کار خود را حفظ می کنند یا مثل حیواناتی که برای زراعت خودشان حفظ می کنند آنها را هم اینطور حفظ می کنند و يك قوت لایموتی که باو میدهند برای این است که از وجود آنها بیشتر استفاده نمایند . بنده چون نخواستم این استفاده را بکنم تمول هم جمع نکردم و گرنه ممکن بود در این مدت بیست سال انقلابات مثل خیلی اشخاصی که در این مدت انقلابات دارای همه چیز شدند بنده هم صاحب همه چیز بشوم ولی چون نخواستم بدون حق و بدون نظر انصاف چیزی بمن برسد به همین حقوق و کالتی خودم قناعت کرده و زندگانی نمودم حتی برای این مدتی که مسافرت نمودم و زحمت کشیدم و این همه صدماتی که بمن رسیده به هیچ دولتی اظهار نکردم که فرسخی پنج قران خرج مسافرت بمن بده

مستشار السلطنه - اغلب آقایان

اظهار نکرده اند

سلیمان میرزا - بهر جهت چون

این کارها را نکردم و نخواستم بکنم یارک نساختم و تمول نشدم که با تمول خودم آنها را حفظ کنم .

بنابراین خداوند چیزی که بمن داده این است که بیایم در پشت این کرسی نطق

و فریاد بزنم و با همین داد و فریاد آسایش و حق فقراء و ضعفاء را که بمقیده خودم دوخت و طرفدار آنها هستم حفظ می کنم . این مسئله را خوب فرمودند که سه دوره و کیل بوده ام و موقع را خوب میشناسم هر وقت بر علیه همان رعایا و زارین حرفی زده شود که منافی حیثیات آنها باشد البته دفاع میکنم .

عین فرمایش حضرت والا در مرتبه تکرار می کنم و اگر حشو زواندی بر آن اضافه کردم فوراً اصلاح بفرمائید فرمودند کار مأمورین دولت را آنقدر نباید پست کرد مثل عمله و ناوه کش .

بنده اشکاتم در همین کلمه پست کردن است بنده کار را کار می دانم و در سر پستی و بلندیش با حضرت والا حرف دارم آن زارع را که از او دفاع می فرمودید و می فرمودید دلتان بیشتر از من برای آن ها می سوزد .

نصرت الدوله - البته همین طور

است و قطع هم دارم .

سلیمان میرزا - بنده کار آن زارع

را پست نمیدانم و باز هم تکرار می کنم که همه اشکال بنده به حضرت والا در سر همین موضوع است که آنها را پست کردید حالا اگر این طور نبوده است و بنده اشتباه کرده ام حضرت والا توضیح بدهید بنده هم حرفی ندارم منتهی در ضمن آزادی نظم استفاده کردم از اینکه ناله يك مشت زارع و فقیر را بگویم که آنها را که متمول هستند و دستشان بیشتر بمقامات عالیه میرسد در موقع گرفتن حقوق تصویب نامه صادر کرده و حقوقشان را تومان تومان می گیرند ولی بدبخت فقراء نه دستشان بمقامی میرسد نه میتوانند تصویب نامه صادر کنند و نه میتوانند تومان تومان حقوق بگیرند .

حقیقتاً اگر در این قسمت حضرت آقای رئیس می فرمودند خارج از موضوع است صحیح بود و حقیقتاً هم خارج از موضوع بود .

چنانچه بعضی از فرمایشات حضرت والا هم خارج از موضوع بود بهر جهت باز هم تکرار می کنم که بنده سخت طرفدار این مسئله هستم که اسم فقراء و اشخاص بی تمول پست برده نشود حالا اگر حضرت والا لفظ هست را فرموده اند صکه تمام اعتراضات بنده وارد است و اگر فرموده اند معلوم میشود سوء تفاهم یا سوء تفاهم است و عرضی ندارم .

یک نفر از نمایندگان - آقا کافی

است .

سلیمان میرزا - آقایان دیگر

اجازه نمی فرمائید عرض بکنم بسیار خوب بنده هم دیگر عرض نمیکنم .

رئیس - پیشنهادی رسیده است

قرائت میشود و جلسه را ختم میکنم .

(شرح ذیل قرائت شد)

از آنجائی که تجدید انتخابات همیشه برای خزانه دولت مستلزم مخارج فوق العاده و در حوزه انتخابیه موجب کسب و کسب و رقابت هائی است که اقل ضرر آن تأخیر انتخابات و تعطیل کرسی های مجلس شورای ملی است .

لذا برای حسن جریان امور تقنینیه که محتاج به ثبات فکر و دوام رویه و عمل است و برای اینکه از اختلال تبدلات بی دردی جلوگیری شده و مقام نمایندگان ملت نیز منتسب به هیچ گونه فرضی نباشد مواد ذیل پیشنهاد میگردد .

۱- هر کس بنماینده کی مجلس شورای ملی انتخاب شود و قبول نمایندگی کند در تمام مدت دوره تقنینیه ولو از نمایندگی استعفاء دهد نمی تواند هیچیک از مشاغل موظف دولتی و عمومی را عهده دار شود .

۲- مفاد ماده فوق شامل نمایندگان دوره حاضر نیز میباشد .

رئیس - ارجاع میشود به کمیسیون مبتکرات .

جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر .

دستور اولاً - لایحه راجع بمستمریات دوم - لایحه تقاضای اعتبار برای اعزام بمحصلین نظامی بیاریس - اگر وقت باقی ماند لایحه حق المبورطهران بدهاوند مطرح می شود .

مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد **رئیس** مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۱۰۰

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جوزا ۱۳۰۱ مطابق نهم شوال ۱۳۴۰ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه سزدهم جوزا را آقای امیرناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی هست یا نه

مخالفی نبود

رئیس - چون مخالفی نیست صورت مجلس تصویب شد راپورت شنبه پنجم راجع بنماینده کی آقای سالار معظم بنا بود جزو دستور امروز بشود طبع و توزیع هم شده است اگر مخالفی هست اظهار بکنند آقای تدین

(اجازه)

آقا سید محمد تدین - مخالفت

بنده با این راپورت و نمایندگی آقای سالار معظم از دو جهت است باوجود اینکه بنده نسبت صلاحیت شخصی ایشان معارضه ندارم و ایشان را بشخص ظاهر الصلاحی می دانم ولی آن دو جهت که موجب مخالفت بنده شده است یکی راجع ب جریان انتخاب است و دیگری راجع بقصدان یکی از شرایط مهمه منتخب البته تمام آقایان می دانند در